

نگاهی به کتاب سانسور در آینه

(نظرات ممیزان در دوره پهلوی دوم)

آنچه که از ستون تواریخ بر می آید، همزمان با پیدایی چاپ کتاب و روزنامه در ایران، انواع سانسور و خودسانسوری نیز در ایران رواج گرفته است. ولی در واقع، نقطه آغازین و قابل اعتنای پیدایی سانسور در ایران را می توان از عهد ناصرالدین شاه به حساب آورد. از عهد این پادشاه است که با تشکیل اداره «دارالطباعة» که ظاهراً تحت نظر وزارت علوم، ولی عملاً تحت نظر ناصرالدین شاه بود، سانسور رسمی در ایران رواج یافته است.

علی رغم این، تا سال ۱۲۹۶ هجری قمری، متن قانون ای برای اعمال سانسور وجود نداشت تا این که در سال ۱۲۹۶ هجری قمری به دستور ناصرالدین شاه و با نظارت کنت دومونت فرت ایتالیایی که رئیس پلیس وقت و یا به قول آن زمان رئیس نظمیه بود، قانونی تدوین گردید که موادی از آن متضمن سانسور می گردید. در کتابچه قانونی کنت دومونت فرت که در ماه سال ۱۲۹۶ به توشیح ناصرالدین شاه رسیده آمده است:

«کسی که کنکاش و خیالات و تحریک بد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت، تحریراً و تقریراً به دولت بزند، بعد از ثبوت تقصیر او، بر حسب حدود تقصیرات، از یک سال الی پانزده سال محبوس خواهد شد.

- کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضد مذهب یا دولت و ملت بوده باشد از پنج ماه الی پنج سال حبس خواهد شد.

- کسی که تهمت زند به کسی مکتوباً یا لساناً، به درجه تقصیر او از یک سال الی پنج سال محبوس خواهد شد و از پنج تومان الی یکصد تومان جزای نقدی خواهد داد...

- کسی که جسارت نموده در ضد پادشاه اعلانات و نوشتجات در

○ معین الدین محرابی

فریبرز خسروی
سانسور در آینه (نظرات ممیزان در دوره پهلوی دوم)

تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۹۸۸ ص، وزیری، گالینگور.





به بعد، مجدداً سانسور کتاب با شدت هر چه بیشتر سربان و جریان یافت.

از دههٔ چهل به بعد، سانسور کتاب بیش از پیش سیر صعودی پیمودهٔ همهٔ زمینه‌های نگارش را در بر گرفت. با این حال، سانسور کتاب‌هایی که در موضوعاتی چون داستان، نمایشنامه و مجموعه اشعار تالیف شده بود، کار آسانی نبود. چرا که نویسندگان نوپرداز و متحد که دل نگران رویدادهای اجتماعی بودند، با بهره‌گیری از واژگان روشنایی و تاریکی، حق و ناحق، خیر و شر و... جنگل‌های سرسبز قلم و اندیشه را که توسط سانسورچیان پهلولی دوم می‌رفت تا به کویری خشک و سوخته بدل شود، آبیاری کردند. آنان با زبانی نمادین سانسور را به چالش گرفتند.

در بهمن ۱۳۴۷ دولت اعلام کرد که اقدام به برگزاری کنگره‌ای از نویسندگان و شاعران ایران خواهد نمود که به سرپرستی فرح پهلولی خواهد بود. در پاسخ به این اقدام، شماری از نویسندگان، ضمن اطلاعیه‌ای خاطر نشان ساختند که گشایش چنین کنگره‌ای آن هم در نبود آزادی بیان و نشر، کاری بیهوده خواهد بود و متعاقب آن اطلاعیهٔ دیگری منتشر گردید که امضای ۴۹ شاعر و نویسنده را در بر داشت و خواستار تشکیل کانون نویسندگان شده بودند. این کانون اگر چه شکل گرفت و در رویدادهایی که منجر به پیروزی انقلاب گردید نیز نقش موثری ایفا نمود، ولی در مبارزه با سانسور کاری از پیش نبرد و حتی شماری از اعضای برجسته آن دستگیر و به جرم اقدام علیه امنیت ملی محاکمه و زندانی شدند.

در دههٔ پنجاه، فشار بر نویسندگان بیشتر شد و تولیدات فکری شماری از آنان ممنوعه اعلام گردید. در این دهه، آثار نویسندگانی

کوچه‌ها بچسباند هر کس بوده باشد و همچنین کسی که مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند، بر حسب تفسیر او، از یک ماه الی پنج سال حبس خواهد شد.»^۱

لازم به یادآوری است، دورهٔ ناصرالدین شاه که با سانسور غیر رسمی آغاز شده بود، در نهایت به سانسور پیش از انتشار انجامید. در این دوره، وزارت انطباعات نه تنها به سانسور تمامی چاپ شده‌ها پرداخت که ورودی چاپ شده‌های خارج از کشور را نیز تحت کنترل قرار داد.

با ترور ناصرالدین شاه و آغاز پادشاهی مظفرالدین شاه، سانسور نیز با اندک تخفیفی همچنان راه خود را می‌پیمود تا این که تلاش‌های مشروطه خواهان منجر به توشیح فرمان مشروطیت و تدوین قانون اساسی گردید. از آن جایی که در این قانون ابهامات فراوانی وجود داشت، تدوین متمم قانون اساسی در دستور کار قرار گرفت که پس از تهیه به امضای محمدعلی شاه رسید. در اصل بیستم متمم قانون اساسی آمده است:

عامهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آن‌ها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده، معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.»^۲

با کودتای رضاخان که در اسفند ۱۲۹۹ اتفاق افتاد، فرایند تحدید آزادی‌ها بیش از پیش شدت گرفت و در نتیجه اغلب نویسندگان به تنبعات بی‌خطر ادبی روی آوردند. تا این که با سقوط و عزل رضا شاه تا حدودی از حدت و شدت سانسور کاسته شود. ولی از کودتای ۱۳۳۲



چون صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل احمد، غلامحسین ساعدی، علی شریعتی و صمد بهرنگی در شمار کتابهای ممنوعه قرار گرفت.

با این حال دولت نتوانست از طریق سانسور راهی برای پیشگیری از فوران فعالیت‌های روشنفکری اتخاذ نماید.

در اینجا لازم است تا به این نکته اشاره گردد که انواع سانسورهای اعمال شده در عهد پهلوی دوم به قرار زیر بوده است:

سانسور سیاسی - اجتماعی؛ سانسور دینی؛ سانسور اخلاقی؛ سانسور علمی؛ سانسور نگارشی - ادبی.^۲

ولی در مجموع باید گفت، در عهد پهلوی دوم - تنها سانسوری که به شدت و بیش از همه اعمال می‌شده، سانسور سیاسی بوده است. مقولات حساسیت برانگیز ممیزان، در آنچه که سیاسی تلقی می‌شده بدین قرار بوده است:

۱. به کارگیری نام‌ها و لقب‌هایی که ویژه خانواده سلطنتی بود یا به نوعی به آنها اشاره داشت.

۲. از نشر کتاب‌های مذهبی که به روشنگری می‌پرداختند، با برچسب‌های کلی مثل «خلاف مصلحت نظام» یا «مارکسیسم اسلامی» جلوگیری می‌شد.

۳. هر گونه نقد و انتقاد نسبت به حکومت پهلوی و پیشنهاد برای اصلاح وضع موجود موجب سانسور می‌شد.

۴. ممیزان نسبت به نشر هر مطلبی که ممکن بود بوی انتقاد و نارضایتی بدهد حالتی بیمارگونه داشتند.

۵. نام بعضی افراد موجب سانسور می‌شد.

۶. به کتاب‌های مارکسیستی و اصطلاحات مربوط به آن حساسیت نشان داده می‌شد.

۷. انتقاد از عملکرد بعضی از کشورها ممنوع بود.

۸. نشر هر نوع مطلب پیرامون انقلاب سایر کشورها یا هر نوشته‌ای که به نوعی با حرکت‌های اجتماعی مرتبط بود یا به گونه‌ای بنیادین مسائل اجتماعی را بررسی می‌کرد ممنوع بود.^۴

مساعی آقای دکتر فریبرز خسروی در تألیف کتاب سانسور در آینه نظرات ممیزان در دوره پهلوی دوم مشکور و جای بسی سپاس و

ارج

گذاری دارد.

اگر چه

جای این کتاب از

زمان پیروزی انقلاب

بدینسو خالی بود؛ ولی اکنون به همت

و تلاش یکی از پژوهشگران عرصه کتاب که خود یکی از مسئولین کتابخانه ملی ایران نیز هست، جای خالی آن پرگشته و دستمایه‌ای

برای تحقیقات پژوهشگران را فراهم آورده است.

ارزش منحصر به فرد این کتاب در این است که محققان و پژوهشگران را به شیوه سانسور در دوره اشاره شده آشنا می‌سازد و

راهنمای مفیدی است تا بدانیم که آثار تالیفی کدام یک از مولفان مورد سانسور قرار گرفته و فراز و نشیب‌های نظری ممیزان درباره هر کتاب چگونه بوده است.

این کتاب با بررسی ۲۳۱۰۰ پرونده ممیزی کتاب در دوره پهلوی

دوم که پرونده آن‌ها در کتابخانه ملی ایران موجود است شکل گرفته و نتیجه حاصل از آن نیز گزیده‌ای است که مشتمل بر ۵۰۴۶ کتاب

می‌شود و کتاب سانسور در آینه بر اساس این گزیده‌ها شکل گرفته است.

پدیدآورنده اثر در مقدمه کتاب می‌نویسد:

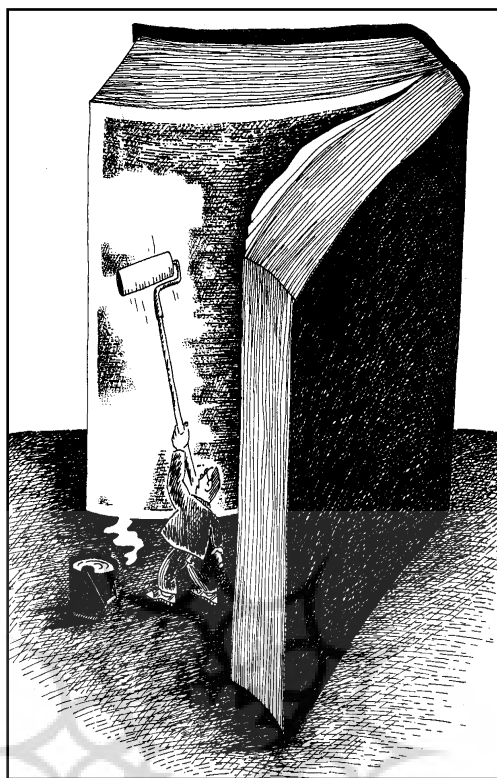
«اکنون گزیده‌ای از نظرات ممیزان این دوره به عنوان کارنامه اداره نگارش پیش روی شماست. مجموعه حاضر گزیده‌ای] از

ممیزی ۲۳۱۰۰ کتابی است که ممیزان دوره پهلوی دوم درباره آن‌ها نظر داده‌اند و پرونده آن‌ها در کتابخانه ملی موجود است.

ملاک انتخاب این مدخل‌ها نظر مشروط یا منفی ممیزان درباره کتاب است و چنانچه همه ممیزان درباره کتابی نظر مثبت داده‌اند

اطلاعات مربوط به آن ذکر نشده است.

ارزش منحصر به فرد این کتاب در این است که محققان و پژوهشگران را به شیوه سانسور در دوره اشاره شده آشنا می‌سازد و راهنمای مفیدی است تا بدانیم که آثار تالیفی کدام یک از مولفان مورد سانسور قرار گرفته و فراز و نشیب‌های نظری ممیزان درباره هر کتاب چگونه بوده است



نظر منفی به حالتی گفته شده که کلاً نشر را جایز ندانسته‌اند و نظر مشروط ناظر به وضعیتی است که انتشار را پس از اصلاحاتی جایز دانسته‌اند و نظر مثبت نیز به معنی بلامانع بودن نشر است.^۹ این نیز گفته آید که مولف کتاب از شیوه تدوین این اثر چنین یاد کرده است:

«ابتدا اطلاعات کتابشناختی کتاب آمده و سپس نظرات ممیزان بدون هیچ گونه اظهار نظری به طور خلاصه نقل شده است. در پایان اطلاعات نقل شده، برای هر کتاب نیز نتیجه بررسی آمده است...»

مدخل‌های کتاب بر حسب عنوان مرتب شده و در انتها نیز برای سهولت دستیابی، نمایه پدیدآوران، ناشران و محل نشر بجز تهران به آن اضافه شده است.^{۱۰} کتاب‌های مندرج در این اثر، به شیوه الفبایی و با شماره‌ای که پیش از هر عنوان آمده، مرتب شده است. کتاب‌ها از شماره ۱ شروع و تا شماره ۵۰۴۶ ادامه می‌یابد که نشان از معرفی ۵۰۴۶ عنوان کتاب دارد.

شیوه معرفی هر کتاب بدین قرار است:

نام کتاب؛ نام نویسنده و مترجم؛ محل برای انتشار؛ ناشر؛ سال ورود کتاب به اداره نگارش؛ نظرات ممیزان (که غالباً ۲ تا ۴ نفر بوده‌اند)؛ نتیجه بررسی؛ تاریخ دقیق ورود کتاب به اداره نگارش؛ و در صورت جواب: تاریخ اعلام آخرین جواب.

برای آشنایی بیشتر با شیوه تدوین این اثر، دو کتاب نخستین را که این کتاب با آن‌ها آغاز شده، از پی می‌آوریم:

۱. آب حیات «قصه‌ای برای بچه‌ها» / منوچهر سلیمی. - تهران: بی‌نا، ۱۳۵۱.

نظرات ممیزان:

- مشروط؛ در زیر عنوان کتاب نوشته شده (قصه برای بچه‌ها) در صورتی که نه کیفیت حکایت و نه چگونگی تلفیق آن و عبارات و

این کتاب با بررسی ۲۳۱۰۰ پرونده ممیزی کتاب در دوره پهلوی دوم که پرونده آن‌ها در کتابخانه ملی ایران موجود است شکل گرفته و نتیجه حاصل از آن نیز گزیده‌ای است که مشتمل بر ۵۰۴۶ کتاب می‌شود و کتاب سانسور در آینه بر اساس این گزیده‌ها شکل گرفته است

جملات برای بچه‌ها نمی‌تواند قابل فهم باشد.

- مثبت؛ ولی کشش یک داستان خوب را ندارد و گمان نمی‌رود از لحاظ سرگرمی مورد علاقه کودکان باشد.

نتیجه بررسی:

پس از اصلاح مجوز داده شده.

تاریخ ورود کتاب به اداره نگارش:

۵۱/۲/۱۲

تاریخ اعلام آخرین جواب: ۵۱/۳/۱۶.

۲. آب زندگی / صادق هدایت. - تهران: بی‌نا، ۱۳۴۸، ۱۹ ص.

نظرات ممیزان:

- مثبت.

- منفی؛ کشورهای با نظام استبدادی را در مقابل کشورهای پیشرفته و آزاد قرار داده است و جای تأمل دارد.

نتیجه بررسی: مجوز داده نشده.

تاریخ ورود کتاب به اداره نگارش: ۴۸/۷/۸.

تاریخ اعلام آخرین جواب: ۴۸/۱۰/۲۲.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کتابچه قانونی کنت دومنت فرت، ص ۷-۱۲.

۲. اصول قانون اساسی ایران و متمم و ضمیمه آن / به اهتمام و خط حسن فصیحی شیرازی (احسان). چاپ دوم: تهران - چاپخانه دولتی، ۱۳۴۲، ص ۵۶.

۳. سانسور (تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم) / دکتر فریبرز خسروی. چاپ اول: تهران - چاپ و نشر نظر، (۱۳۷۸)، ص ۱۸۱.

۴. پیشین، ص ۱۸۶-۱۹۳.

۵. سانسور در آینه (نظرات ممیزان در دوره پهلوی دوم) صفحه (هشت و نه)

۶. پیشین، صفحه (نه).

۷. پیشین، ص ۱.